

Determinants of Income Inequality with Emphasis on Foreign Investment

Raheleh Hosseini*, Nader Mehregan**, Yazdan Naghdi***, Soheila Kaghazian****

Original Article	Receive Date: 2025 Feb 03	Accept Date: 2025 Mar 04	Page: 605-627
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

Reducing income inequality is a fundamental issue in achieving the Sustainable Development Goals. In recent years, inequality between the rich and the poor in Iran has increased. This trend has been exacerbated by a combination of domestic economic policies, international sanctions, and various socio-political factors. While multiple elements contribute to this issue, foreign direct investment (FDI) is considered a crucial factor that can affect income inequality in Iran. Some economic theories, such as modernization theory, emphasize the positive role of foreign direct investment in reducing income inequality, but others, such as dependency theory and North-South theory, argue that foreign direct investment increases income inequality. This study applies the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) approach to analyze the relationship between income inequality and foreign direct investment in Iran over the period 13767 to 1401. It focuses on how various factors impact foreign direct investment and, consequently, income distribution. In addition to assessing the direct impact of FDI on income distribution, the study evaluates the interactive effects of key influencing factors on foreign investment and their role in shaping income inequality. The findings indicate that, in the short run, foreign direct investment and trade openness have a significant positive effect on the Gini coefficient in the direct model. In both direct and interactive models, a significant inverse relationship is observed between an efficient government and income inequality. The lagged effect of political stability variable is also positive and significant in both models. Financial development and the unemployment rate increase income inequality in the interactive effects model. Additionally, the financial Kuznets hypothesis was tested and confirmed. In the long run, an efficient government has a negative effect on the Gini coefficient. However, increasing political stability, unemployment rate, and promoting financial development lead to increasing income inequality. The effect of oil revenues and the degree of trade openness is not significant in the short and long run.

Keywords: Efficient Government, Financial Development, Foreign Direct Investment, Gini Coefficient, Income Distribution

JEL Classification: O15, F21, H11.

*Phd Student in International Economics, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran
rahelehossaini@gmail.com

** Professor of Economics, Department of Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding Author)
mehregannader@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran
y_naghdi@yahoo.com

**** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran
kaghazian.sheila@wtiau.ac.ir

عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد با تأکید بر سرمایه‌گذاری خارجی

راحله حسینی^{*}، نادر مهرگان^{**}، یزدان نقدی^{***}، سهیلا کاغذیان^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴	شماره صفحه: ۶۰۵-۶۲۷
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

یکی از موضوعات اساسی در تحقق اهداف توسعه پایدار، کاهش نابرابری درآمد، است. نابرابری میان فقرا و ثروتمندان در ایران طی سال‌های گذشته افزایش یافته است. این روند تحت تأثیر ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی داخلی، تحریم‌های بین‌المللی و عوامل مختلف اجتماعی-سیاسی تشدید شده است. درحالی‌که عوامل متعددی در این پدیده نقش دارند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی مطرح شده است که می‌تواند بر نابرابری درآمدی در ایران تأثیر بگذارد. برخی تئوری‌های اقتصادی همانند تئوری مدرنیزاسیون، بر نقش مثبت سرمایه‌گذاری خارجی در کاهش نابرابری درآمد تأکید دارند اما برخی دیگر همچون تئوری وابستگی و شمال- جنوب استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موجب افزایش نابرابری درآمد می‌شود.

این مقاله با استفاده از رویکرد خود رگرسیون با وقفه توزیعی به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران طی دوره ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۱ می‌پردازد و بر نحوه تأثیرگذاری عوامل مختلف بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه، توزیع درآمد تمرکز می‌کند. در این مطالعه، علاوه بر بررسی اثر مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد، اثرات تعاملی مؤلفه‌های اثرگذار بر سرمایه‌گذاری خارجی و تأثیر آن‌ها بر نابرابری درآمد سنجیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در کوتاه‌مدت، در مدل مستقیم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری، اثر مثبت و معنادار بر ضریب جینی دارند. در دو مدل اثرات مستقیم و تعاملی، رابطه معکوس معنادار بین دولت کارآمد و نابرابری درآمد مشاهده می‌شود. اثر متغیر با وقفه ثبات سیاسی نیز در دو مدل مثبت و معنادار است. ارتقای توسعه مالی و افزایش نرخ بیکاری در مدل اثرات تعاملی موجب افزایش نابرابری درآمد می‌شوند. در بلندمدت، اثر دولت کارآمد بر ضریب جینی، منفی است. هم‌چنین افزایش ثبات سیاسی، نرخ بیکاری و ارتقای توسعه مالی منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شوند. اثر درآمد نفتی معنادار نیست. هم‌چنین فرضیه کوزنتس مالی مورد آزمون قرار گرفت و تأیید شد.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، دولت کارآمد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ضریب جینی، منحنی کوزنتس مالی

طبقه‌بندی JEL: O15, F21, H11.

* دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

rahelehossaini@gmail.com

mehregannader@yahoo.com

y_naghdi@yahoo.com

kaghazian.soheila@wtiau.ac.ir

** استاد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار اقتصاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران

**** استادیار اقتصاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، نابرابری درآمد به عنوان یکی از چالش‌های اقتصاد اصلی جهانی تبدیل شده است، به نحوی که بسیاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، توجه خود را از مسئله فقر به کاهش نابرابری درآمد معطوف کرده‌اند. در ایران نیز، در اسناد بالادستی، از جمله لایحه برنامه هفتم پیشرفت بر کاهش فقر و نابرابری درآمد و توزیع عادلانه آن تأکید شده است. بررسی شاخص‌های توزیع درآمد که ابزاری برای تبیین وضعیت نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور است، حاکی از وضعیت نامناسب توزیع درآمد و خامت آن طی سال‌های اخیر است. در دوره مورد بررسی اگرچه ضریب جینی در ایران روندی نزولی داشته، اما نوسانات زیادی را تجربه نموده است؛ به نحوی که مقدار این ضریب در سال‌های مختلف بین ۰.۴۳۸ (سال ۱۳۸۵) تا ۰.۳۶۵ (سال ۱۳۹۲) متغیر بوده است (مرکز آمار، ۱۴۰۳).

یکی از تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها بر توزیع درآمد که در رشد اقتصادی بسیاری از کشورها نیز نقش کلیدی دارد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این نوع سرمایه‌گذاری تحت تأثیر عواملی همچون توسعه مالی، دولت کارآمد، ثبات سیاسی، درجه باز بودن تجاری و درآمد نفتی قرار دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سرمایه‌گذاری یک شرکت یا شخص حقیقی در کشوری دیگر برای تجارت یا تولید گفته می‌شود. تئوری مدرنیزاسیون، بر نقش مثبت سرمایه‌گذاری خارجی در کاهش نابرابری درآمد تأکید دارد و تئوری‌های وابستگی و شمال-جنوب استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد (Kalaichelvi & Navaratnam, 2018:60).

بر اساس آمار اجلاس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)^۱ در سال ۲۰۲۲، آسیا بزرگ‌ترین منطقه دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان بوده است، به گونه‌ای که در همان سال حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان را جذب نموده است. هم‌چنین طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، ۱۶ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرق آسیا، ۴۴ درصد در آسیای جنوب شرقی، ۱۲ درصد در آسیای مرکزی افزایش یافته و ۵۹ درصد از افزایش‌ها در غرب آسیا مشاهده شده است. این در حالی است که سهم ایران در غرب آسیا در سال ۲۰۲۲، تنها ۱.۵ درصد بوده است. در مقابل، سهم امارات متحده عربی، ترکیه، مصر، عربستان سعودی و بحرین به ترتیب ۲۲.۷، ۱۲.۸۸، ۱۱.۴، ۷.۸۸ و ۱.۹۵ درصد بوده است (UNCTAD, 2023).

بنابراین با توجه به آن که کشور در سال‌های اخیر در اثر عوامل مختلف ساختاری، مالی، اقتصادی و سیاسی با کاهش شدید جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده است و از طرفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن (توسعه مالی، دولت کارآمد، ثبات سیاسی، درجه باز بودن تجاری و درآمد نفتی)

1. UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development

از عواملی هستند که می‌توانند بر نابرابری درآمد در ایران، تأثیر بگذارند، پژوهش حاضر با استفاده از روش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی، به دنبال بررسی این مسئله است که چگونه وضعیت نامناسب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ضریب جینی (به عنوان شاخص سنجش نابرابری درآمد) تأثیر می‌گذارد و چه عواملی در این میان نقش مؤثری دارند.

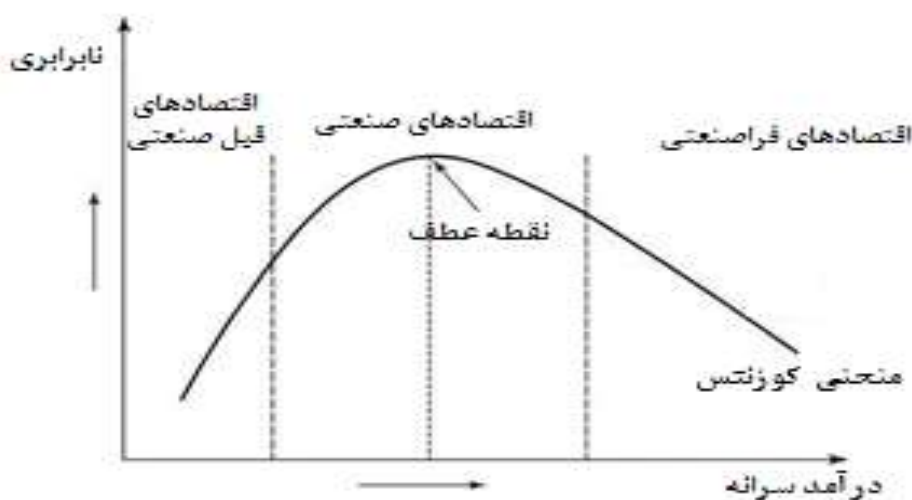
در پژوهش حاضر ابتدا مقدمه‌ای در خصوص اثرات مالیات بر توزیع درآمد بیان شده است. در بخش دوم مبانی نظری و مطالعات تجربی صورت پذیرفته پیشین مورد توجه قرار گرفته است. در بخش سوم و چهارم به ترتیب، به روش تحقیق و مدل برآورد، پرداخته شده است و در بخش پایانی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه گردیده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

۲-۱-۱- نابرابری درآمد و ضریب جینی

سیمون کوزنتس بر اساس مشاهدات تجربی نشان داد که در مراحل آغازین توسعه نابرابری درآمد سرانه تمایل به افزایش، سپس ثابت می‌ماند و در مرحله آخر توسعه از شدت نابرابری درآمد سرانه کاسته می‌شود. لذا اگر منحنی کوزنتس جامعه روی یک نمودار رسم شود، به شکل U معکوس است (نمودار ۱)، (گلدین، ۱۴۰۱: ۵۹).



شکل ۱. منحنی U معکوس کوزنتس

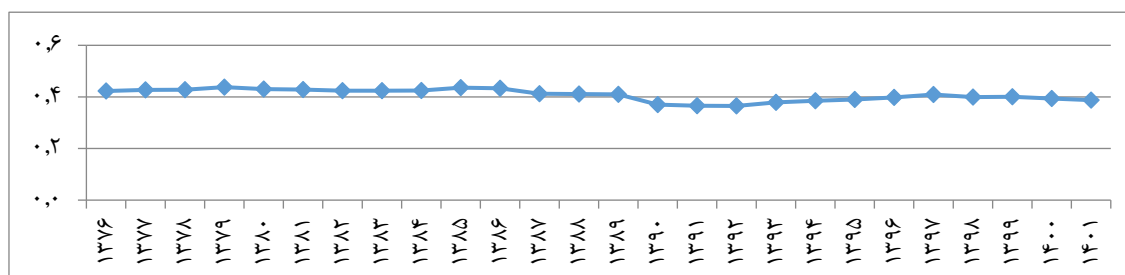
شکل (۱) نشان می‌دهد که شاخص نابرابری با شکل ریاضی زیر تابعی از درآمد سرانه است:

$$GINI = \alpha_0 + \alpha_1 Y + \alpha_2 Y^2 + U_t$$

اگر علامت ضرایب α_1 و α_2 معنادار و به ترتیب مثبت و منفی باشند، فرضیه کوزنتس تأیید می‌گردد (مهرگان و همکاران ۱۳۸۷: ۶۱).

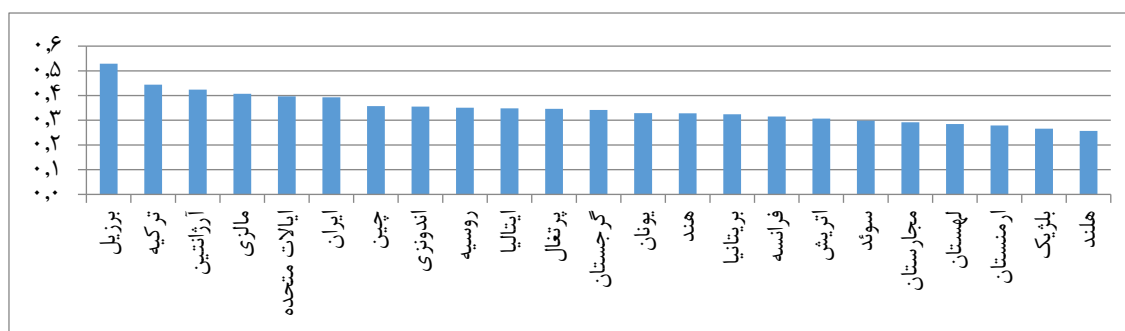
یکی از پرکاربردترین معیارهای نابرابری درآمد، ضریب جینی است که میزان تمرکز درآمد در یک کشور یا منطقه را نشان می‌دهد. مقایسه این شاخص در ایران با سایر کشورها (نمودار ۳) نشان می‌دهد که اگرچه این شاخص نسبت به ابتدای دوره مورد بررسی کاهش یافته است، اما همچنان در مقایسه با بسیاری از کشورهای مورد بررسی که آمار آن‌ها برای سال ۲۰۲۱ موجود است، در سطح بالایی قرار دارد. به طوری که تنها در کشورهای برزیل، ایالات متحده آمریکا، ترکیه، مالزی و آرژانتین، ضریب جینی از ایران بالاتر بوده است، در حالی که در بیشتر کشورهای بررسی شده، این شاخص بین ۰/۲۵ تا ۰/۳۵ درصد قرار دارد.

بررسی نمودار (۲) نشان می‌دهد که طی دوره مذکور، ضریب جینی روندی نوسانی داشته است. در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، این شاخص از ۰/۴۲۳ به ۰/۴۳۸ افزایش یافت. سپس از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴، روند کاهشی در پیش گرفت و به عدد ۰/۴۲۴ رسید. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، ضریب جینی مجدداً افزایش یافت، اما از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ روند نزولی ادامه یافت و در این دوره به کمترین میزان خود، یعنی ۰/۳۶۵ رسید. در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، شاخص دوباره افزایش یافت و سپس با نوساناتی، مجدداً در سال ۱۴۰۱ به ۰/۳۸۷ رسید.



نمودار ۱. ضریب جینی (درصد)

منبع: مرکز آمار ایران



نمودار ۳. ضریب جینی در کشورهای منتخب

منبع: بانک جهانی و مرکز آمار ایران

۲-۱-۲. سرمایه‌گذاری خارجی و توزیع درآمد

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی دیگر از منابع مالی خارجی برای اقتصادهای در حال توسعه است. مطالعات انجام شده در بعضی از کشورها، حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق انباشت سرمایه، انتقال فناوری، نوآوری در فرآیند تولید، کارایی تولید، آموزش نیروی کار و ایجاد اشتغال، نقش عمده‌ای در توسعه اقتصادی ایفا کرده است، در حالی که ورود سریع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در برخی دیگر از کشورها، باعث افزایش نابرابری دستمزد بین نیروی کار ماهر و غیر ماهر شده و نابرابری منطقه‌ای را با تمرکز فعالیت‌های تولیدی تنها در چند مکان یا منطقه خاص در کشورهای میزبان افزایش داده است. بر اساس مطالعات (Hanson & Feenstra, 1997) جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل تقاضای بیشتر برای نیروی کار ماهر، تأثیر منفی بر توزیع درآمد مکزیک داشته است. (Zhang & Zhang, 2003) استدلال می‌کنند که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت عوامل اصلی در گسترش نابرابری منطقه‌ای در چین هستند (Song et al, 2021: 256).

محققان برای بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد، از سه تئوری مدرنیزاسیون، تئوری وابستگی و حکمرانی خوب و تئوری شمال-جنوب استفاده می‌کنند. نظریه پردازان مدرنیزاسیون استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک مکانیسم ایده آل برای انتشار سرمایه، بازار و دانش است که منجر به توسعه برای اقتصادهای تازه مستقل می‌شود. آن‌ها به اثر کوزنتس می‌پردازند که در آن نابرابری درآمد در ابتدا با افزایش درآمد سرانه افزایش می‌یابد، اما بعداً با رسیدن به سطح معینی از توسعه کاهش می‌یابد. برخلاف نظریه مدرنیزاسیون، محققان تئوری وابستگی استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. بر اساس این تئوری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دستمزد نسبی نیروی کار ماهر را در کشور میزبان افزایش می‌دهد، زیرا فناوری‌های مبتنی بر مهارت وارد می‌شوند. علاوه بر این، استفاده از فنون سرمایه‌بر توسط سرمایه‌گذاران خارجی، ممکن است بیکاری را در میان کارگران غیرماهر تشدید کنند و باعث ایجاد اقتصادی با بخش کوچک پیشرفته و بخش بزرگ عقب مانده شود که توزیع درآمد را مخدوش می‌کند. تئوری شمال-جنوب نیز توضیح می‌دهد که افزایش موجودی سرمایه در کشورهای جنوب نسبت به شمال می‌تواند دستمزد نسبی نیروی کار ماهر را در هر دو منطقه افزایش دهد. از این رو، در دسترس بودن نیروی کار نسبتاً ارزان در کشورهای میزبان فقیر ممکن است شرکت‌های مستقر در کشورهای ثروتمند را تشویق به انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کند؛ بنابراین بر اساس این تئوری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با افزایش دستمزد نسبی نیروی کار در کشورهای میزبان جنوب، می‌تواند نابرابری درآمد را در پی داشته باشد. میزبان فقیر ممکن است شرکت‌های مستقر در کشورهای ثروتمند را تشویق به انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کند؛ بنابراین بر اساس مبانی تئوریک، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم می‌تواند نابرابری درآمد را کاهش دهد و هم موجب افزایش آن شود (Kalaichelvi & Navaratnam, 2018: 60-61).

۲-۱-۳- عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

عوامل متعددی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران تأثیر می‌گذارند که بر اساس بافت ژئوپلیتیکی، اقتصادی و نظارتی منحصربه‌فرد آن شکل می‌گیرند. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های اثرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در زیرمجموعه‌های عوامل اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیکی، سیستم بانکی و مالی، تجارت بین‌الملل، دسترسی به منابع طبیعی قرار می‌گیرند، اشاره شده است.

۲-۱-۳-۱- دولت کارآمد

بر اساس تعریف بانک جهانی، این شاخص کیفیت خدمات عمومی و مدنی و استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای خطی مشی‌ها و اعتبار تعهد دولت به سیاست‌های اعلام شده را می‌سنجد. کشورها بر اساس عواملی همچون توانایی مدیریت در تغییرات سیاسی بدون تغییر سیاست یا وقفه شدید در خدمات دولتی، کارایی درآمدی و مدیریت بودجه، کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین مراقبت‌های بهداشتی عمومی و مدارس دولتی، میزان رعایت تعهدات دولت توسط دولت‌های جدید، وجود خدمات کافی برای مؤدیان مالیاتی، پایه‌های مالیاتی گسترده و ... مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و امتیاز تخمینی بین ۲۰۵- تا ۲۰۵ کسب می‌کنند.

در خصوص رابطه دولت کارآمد با توزیع درآمد و فقر، تجربه نشان داده است کشورهایی با دولت‌های کارآمدتر، تمایل دارند با کسب رتبه‌بندی اعتباری بهتر و جذب سرمایه‌گذاری بیشتر، خدمات عمومی با کیفیت بالاتر ارائه دهند و سطوح بالاتری از انباشت سرمایه انسانی، استفاده بهتر از منابع خارجی، تسریع در نوآوری‌های فناوری و رشد اقتصادی را تجربه کنند. هم‌چنین کارایی در ارائه خدمات عمومی، تأثیر مستقیمی بر فقر دارد (Burnside & Dollar, 2000:3).

۲-۱-۳-۲- ثبات سیاسی

بنا به تعریف بانک جهانی، این شاخص به قابل پیش‌بینی بودن و عدم وجود آشفتگی در نظام سیاسی یک کشور اشاره دارد. یک کشور با ثبات سیاسی، سطوح پایینی از خشونت سیاسی، تغییر مکرر رژیم، ناآرامی اجتماعی یا بی‌ثباتی را تجربه می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که دولت می‌تواند بدون تهدیدات داخلی یا خارجی قابل توجهی برای قدرت خود عمل کند. ثبات سیاسی معمولاً پیش‌نیاز دولت کارآمد است، اما به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده دولت کارآمد باشد. ثبات سیاسی با کاهش ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها، محیطی مساعد برای توسعه ایجاد می‌کند. سرمایه‌گذاران بیشتر تمایل دارند در کشوری سرمایه‌گذاری می‌کنند که در آن محیط سیاسی با ثبات است و شهروندان به توانایی دولت برای حفظ نظم اعتماد دارند.

۲-۱-۳-۳- توسعه مالی

بخش مالی شامل مؤسسات، بازارها و همچنین چارچوب‌های قانونی و نظارتی است که امکان انجام معاملات از طریق اعطای اعتبار را فراهم می‌سازد؛ به عبارت دیگر، توسعه بخش مالی است که با غلبه بر "هزینه‌های" سیستم مالی ارتباط دارد. این فرآیند از طریق ظهور قراردادهای، بازارهای مالی واسطه‌گری جدید، منجر به کاهش هزینه‌های کسب

اطلاعات، اجرای قراردادهای و انجام معاملات می‌شود و در نتیجه، کارکردهای کلیدی بخش مالی در اقتصاد را ارتقاء می‌بخشد. (گزارش توسعه مالی بانک جهانی، ۲۰۱۹/۲۰۲۰).

از اوایل دهه ۱۹۹۰، نظریه‌هایی در مورد رابطه بین نابرابری درآمد و توسعه مالی شکل گرفته و چهار فرضیه در این زمینه مطرح شده است: فرضیه محدود کردن نابرابری، فرضیه گسترش نابرابری، فرضیه کوزنتس مالی (Ag̃ir et al. 2020: 72؛ Altiner et al. 2022: 351) و فرضیه نابرابری مالی U شکل (Chiu & Lee. 2019: 2). رویکرد کوزنتس مالی توسط گرین‌وود و جووانوویچ^۱ (۱۹۹۰) مطرح شد و رابطه نابرابری مالی - درآمد را با تطبیق رابطه کوزنتس (۱۹۵۵) توضیح داد (Akan et al. 2017: 351؛ Ag̃ir et al. 2020: 73؛ Doğ̃an. 2018: 529؛ Khatatbeh et al. 2022: 2). این نظریه استدلال می‌کند که در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، زیرساخت‌های مالی ناکافی است و در این مرحله ثروتمندان بیشتر از فقرا از خدمات مالی بهره‌مند شوند، بنابراین شکاف درآمدی بین این دو گروه افزایش می‌یابد؛ اما با توسعه بخش مالی، تقاضای خانوارها برای ابزارهای مالی افزایش یافته و هزینه‌های مبادله کاهش می‌یابد که در نهایت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد تأثیر مثبت می‌گذارد (Altiner et al. 2022: 351؛ Bũkey & Akgũl. 2021: 305؛ Destek et al. 2017: 154؛ Argun. 2016: 64؛ Nikoloski. 2013: 899؛ Jauch & Watzka. 2016: 294).

پایگاه داده توسعه مالی بانک جهانی چارچوبی برای اندازه‌گیری توسعه مالی در سطح جهانی ارائه کرده است. در وهله اول، این چارچوب، چهار مجموعه از متغیرهای پروکسی عمق مالی، دسترسی، کارایی و ثبات که نشان‌دهنده خوب کار کردن یک سیستم مالی خوب است را معرفی می‌کند و سپس این چهار بعد، برای دو مؤلفه اصلی در بخش مالی، یعنی مؤسسات مالی و بازارهای مالی اندازه‌گیری می‌شوند.

۲-۱-۳-۴- درجه باز بودن تجاری

درجه باز بودن تجاری که از مجموع واردات و صادرات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، به‌طور قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق شکل دادن به محیط اقتصادی و سیاستی که مشاغل در آن فعالیت می‌کنند تأثیر می‌گذارد. باز بودن تجارت به موانع تجاری کمتری مانند تعرفه‌ها و سهمیه‌ها اشاره دارد که دسترسی شرکت‌های خارجی به بازارهای محلی و منطقه‌ای را آسان‌تر می‌کند و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشویق می‌کند. در اقتصادهای با باز بودن تجاری بالا، شرکت‌ها ممکن است برای استفاده از شبکه‌های تولید و توزیع کارآمد، سرمایه‌گذاری کنند. هم‌چنین کشورهایی که برای تجارت بازتر هستند، محیط‌های تجاری مطلوبی از جمله حقوق مالکیت قوی، حمایت از سرمایه‌گذاران و مقررات کارآمد دارند. اقتصادهای باز هم‌چنین تبادل فناوری و دانش بین کشورها را تقویت می‌کنند که می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در صنایع پیشرفته را به همراه داشته باشد (Saurav et al. 2020: 8-9).

شایان توجه است که در دوره مورد بررسی، نوسانات نرخ ارز دارای اثرات معنادار آرج نبوده است و بنابراین اثر این شاخص بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد توجه قرار نگرفته است. هم‌چنین، به دلیل هم‌پوشانی مؤلفه‌های

1. Greenwood & Jovanovic

مورد استفاده در شاخص آزادی اقتصادی موسسه هرینج با مؤلفه‌های موردسنجش در شاخص‌های ثبات سیاسی و دولت کارآمد، از این شاخص نیز استفاده نشده است.

۲-۲- پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی پژوهش حاضر شامل پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر توزیع درآمد، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و سایر عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد است.

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

لو همکاران^۱ (۲۰۲۵) با استفاده از رویکرد حداقل مربعات دومرحله‌ای و تکنیک مدل‌سازی متغیر ابزاری مصنوعی و داده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کل و بخشی برای سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، به بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های دولتی و خصوصی چین بر نابرابری درآمد دولت میزبان در کشورهای در حال توسعه پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌های دولتی چینی تمایل دارند نابرابری درآمد در کشورهای میزبان را کاهش دهند، درحالی‌که شرکت‌های خصوصی عموماً اثر معکوس دارند و نابرابری را افزایش می‌دهند. آن‌ها استدلال نمودند که دولت چین به دلیل نگرانی‌های مربوط به شهرت، توجه بیشتری به رفتار شرکت‌های دولتی در خارج از کشور نسبت به شرکت‌های خصوصی دارد که می‌تواند روی شیوه‌های استخدام شرکت‌های دولتی تأثیر بگذارد به گونه‌ای که نابرابری در کشورهای میزبان کاهش یابد. برعکس، شرکت‌های خصوصی که حمایت کمتری از دولت چین دریافت می‌کنند و بار کمتری از اهداف کلان دولتی و اجتماعی را به دوش می‌کشند، به روش‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ممکن است هزینه‌های سرمایه را محدود کرده، به کاهش دستمزدها کمک کرده و نابرابری را افزایش دهند.

لی و همکاران^۲ (۲۰۲۴) رابطه پویا بین هزینه‌های آموزشی دولت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر آن‌ها بر نابرابری درآمدی در ۳۶ کشور آفریقای جنوب صحرا از دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ را بررسی نمودند. بر اساس نتایج تحقیق مشخص گردید ثبت نام در آموزش ابتدایی باعث تشدید اختلاف درآمد در منطقه می‌شود، اگرچه افزایش سهم نیروی کار نابرابری را کاهش می‌دهد. یافته‌ها نیاز به سیاست‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ابتکارات آموزشی را باهدف ارتقای مهارت‌ها و گسترش نیروی کار تحصیل کرده تشویق کنند.

اوندس و کیزیل‌گل^۳ (۲۰۲۴) با استفاده از رویکرد اتورگرسیون توزیعی پانل و روش سیستم گشتاور تعمیم یافته به بررسی رابطه بین توسعه مالی و نابرابری درآمد و هم‌چنین آزمون اعتبار فرضیه منحنی کوزنتس کلاسیک و منحنی کوزنتس مالی برای دوره ۱۹۸۵-۲۰۱۹ پرداختند. با توجه به نتایج به دست آمده در این مطالعه، درحالی‌که جهانی‌سازی اقتصادی نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد، مخارج دولت و جمعیت شهری و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهند. با این حال، درحالی‌که تولید ناخالص داخلی و توسعه مالی خود ضریب جینی را افزایش داد، مجذور این

1. lu et al.

2. Li et al.

3. Öndes and Kızılgöl

متغیرها، ضریب جینی را کاهش داد؛ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که هر دو فرضیه منحنی کوزنتس کلاسیک و منحنی کوزنتس مالی برای کشورهای تازه صنعتی معتبر هستند.

سوتو همکاران^۱ (۲۰۲۳) با استفاده از روش پانل دیتا در ۴۶ کشور با بار مالیاتی کم، به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد در کشورهایی که دارای مشوق‌های مالیاتی برای این نوع سرمایه‌گذاری هستند، طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۱ پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کاهش نابرابری درآمد و بهبود رفاه در کشورهای مورد مطالعه کمک کرده است. هم‌چنین آن‌ها نتیجه گرفتند که این فرآیند در صورت وجود یک چارچوب مالیاتی حمایتی مناسب، اثربخش‌تر خواهد بود.

وانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه خود با استفاده از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته، اثر توزیعی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در ۱۲۶ کشور منتخب بررسی کردند. شاخص پارتو که بر اساس سهم‌های درآمدی بالا ساخته شده است نشان می‌دهد که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را در کشورهای دارای بازارهای نوظهور کاهش می‌دهد، اما در کشورهای توسعه‌یافته، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

آمپونسا و همکاران^۳ (۲۰۲۳) با استفاده از روش متغیرهای ابزاری تعمیم‌یافته دومرحله‌ای به بررسی فرضیه‌های مثلث رشد فقر-نابرابری در ۳۵ کشور آفریقایی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری درآمد تأثیر منفی بر فقر دارد و رشد فراگیر را بدتر می‌کند. رشد فراگیر می‌تواند به کاهش فقر کمک کند، اما تأثیر آن بر نابرابری درآمد بستگی به نوع فراگیری دارد. رشد فراگیر اثر نامطلوب نابرابری درآمدی بر فقر را تعدیل می‌کند.

رضک و همکاران^۴ (۲۰۲۲) تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد در مصر را طی دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۷ بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که افزایش یک درصدی در جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی (به عنوان درصدی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص) منجر به کاهش ۰/۰۱۸ درصدی ضریب جینی می‌شود.

لی و همکاران^۵ (۲۰۲۱) با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته دومرحله‌ای، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد در ویتنام را، با در نظر گرفتن محدودیت‌های سطوح تحصیلی، تحلیل کردند. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمایل به افزایش نابرابری درآمد در ویتنام دارد و رابطه غیر خطی بین این دو متغیر تأیید شده است. هم‌چنین، اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد بسته به سطح تحصیلات استان‌های میزبان در ویتنام، متفاوت است.

کاویلیهوا و آجاسی^۶ (۲۰۱۷) ب کاویلیهوا و آجاسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد را در ۱۶ کشور آفریقایی طی سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب بهبود

1. Soto et al.

2. Wang et al.

3. Amponsah et al.

4. Rezk et al.

5. Lee et al.

6. Kaulihowa and Adjasi

توزیع درآمد در کشورهای مورد مطالعه شده است؛ با این حال، این اثر با افزایش حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش می‌یابد.

سوانز^۱ (۲۰۱۶) رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد را در سه بخش مواد اولیه، صنعت تولید و خدمات در آمریکای لاتین، با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۳ اقتصاد طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹، بررسی نمود. یافته‌های نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب افزایش نابرابری درآمد در بخش‌های خدمات و تولید شده است. هوین^۲ (۲۰۱۵) با استفاده از روش پرسشنامه‌ای به بررسی مهم‌ترین عوامل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یکی از استان‌های ویتنام می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از اهمیت بیشتر عوامل زیربنایی و مالی نسبت به عوامل فرهنگی و اجتماعی است.

و هسو^۳ (۲۰۱۲) تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد را با استفاده از مجموعه داده‌های مقطعی برای ۵۴ کشور (۳۳ کشور در حال توسعه و ۲۱ کشور توسعه‌یافته) طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۵ ارزیابی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را برای کشورهای که ظرفیت جذب بالایی دارند (توسعه‌یافته)، بیشتر از کشورهایی که ظرفیت جذب کمتری دارند (در حال توسعه)، کاهش می‌دهد. این بدان معناست که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند برای توزیع درآمد کشورهای که ظرفیت جذب پایینی دارند، مضر باشد.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

احمدی (۱۴۰۱) با استفاده از رهیافت خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی، در دو قالب متقارن (الگوی اول) و نامتقارن (الگوی دوم)، اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در دوره زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۴۰۰ را بررسی کرد. نتایج پژوهش در بلندمدت نشان می‌دهد، افزایش‌ها و کاهش‌ها در توسعه مالی، با اثری منفی (معکوس) بر نابرابری درآمدی همراه است. هم‌چنین در بلندمدت تفاوت معناداری از منظر آماری میان ضرایب افزایش‌ها و کاهش‌ها در توسعه مالی وجود دارد؛ بنابراین اثرگذاری نامتقارن توسعه مالی بر نابرابری درآمدی تأیید شد. هم‌چنین اثر متغیرهای رشد اقتصادی، تورم و درجه باز بودن تجاری، بر نابرابری درآمدی مثبت است و با افزایش آن‌ها، نابرابری افزایش می‌یابد.

داودی و سبزی خوشنامی (۱۴۰۰) اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های ۹۹-۱۳۶۹ را با استفاده از روش رگرسیون آستانه‌ای بررسی کردند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بررسی اثر توسعه مالی بخش بانکی و بازار سهام بر نابرابری درآمد دارای حد آستانه‌ای است. با این توضیح که در مدل، توسعه مالی بخش بانکی قبل و بعد از حد آستانه‌ای اثر معنادار و منفی بر نابرابری دارد. هم‌چنین شواهد کافی جهت تأیید اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در قالب فرضیه U معکوس گرینوود و جوانوویچ یافت نگردید.

-
1. Suanes
 2. Huyen
 3. Wu and Hsu

برقی اسکویی و شکری (۱۳۹۷) با استفاده از رویکرد رگرسیون فازی، به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۰ پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیر مالیات بر درآمد تأثیر اندکی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد و متغیرهای سرمایه انسانی، درجه باز بودن تجاری، تولید ناخالص داخلی برخلاف تورم و نرخ ارز، تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از رویکرد داده‌های پانل پویا، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر و پایین‌تر از میانگین را طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۴ بررسی کردند. هم‌چنین، برای تحلیل روابط بلندمدت در ایران طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۴، از رهیافت خود رگرسیون با وقفه توزیعی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ضریب جینی افزایش یافته و توزیع درآمد ناعادلانه‌تر می‌شود. علاوه بر این، فرضیه کوزنتس مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که این فرضیه برای کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین تأیید شده، اما برای کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین، صادق نیست.

صابونچی و رشید زاده (۱۳۹۳) طی دوره زمانی ۱۳۹۰، ۱۳۵۳ با استفاده از روش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی اثر جهانی‌شدن و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در ایران را تحلیل نمودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی تجاری، نابرابری درآمدی به موازات افزایش همگرایی اقتصادی ایران به سوی اقتصاد جهانی کاهش می‌یابد. هم‌چنین، نظریه کوزنتس در رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی تأیید شد؛ به این معنا که رابطه‌ای به شکل U معکوس بین رشد درآمد سرانه و توزیع درآمد وجود دارد.

نصیری نژاد و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های تابلویی کشورهای عضو دی هشت، به بررسی تأثیر مالیات، درجه باز بودن تجاری، تحصیلات، جمعیت، نرخ ارز و نرخ تورم در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداختند. نتایج نشان داد که متغیرهای نرخ ارز، تورم و مالیات تأثیر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند و درجه باز بودن تجاری، جمعیت و تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد.

موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه توزیعی، عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۰ را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که تورم و رشد اقتصادی، تأثیری منفی بر برابری درآمد و درآمد حاصل از مالیات، نفت و گاز و بهره‌وری نیروی کار تأثیری مثبت بر آن دارند.

آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد را در ایران بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از روش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی، وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها را طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که در بلندمدت افزایش تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ترتیب منجر به کاهش و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

مزمینی و مراد حاصل (۱۳۸۹) با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب را برای دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۴ بررسی نمودند. نتایج تأثیر معنی‌دار آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمامی کشورهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

نورانی (۱۳۷۹) اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد را در چهار کشور اندونزی، تایلند، سنگاپور و مالزی برای دوره زمانی ۱۹۹۷-۱۹۷۰ مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج تحقیق، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان بستگی به شرایط محیطی ایجاد شده بر اساس نوع استراتژی توسعه اتخاذ شده دارد؛ به‌گونه‌ای که در کشورهای مذکور، اتخاذ استراتژی برون‌گرایی توسعه صادرات با گرایش به خلق مزیت نسبی، امکان بهره‌مندی از اثرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم آورده است. این امر در تأثیر مثبت بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خالص صادرات در بلندمدت نمود پیدا کرده است.

پژوهش حاضر از سه جنبه دارای نوآوری است. ۱- در مطالعات پیشین اثر تعاملی مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد مورد توجه قرار نگرفته است، ۲- هم‌چنین استفاده از متغیر توضیحی دولت کارآمد که کیفیت حکمرانی دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد، به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری درآمد برای اولین بار در ایران مورد آزمون قرار می‌گیرد. اهمیت متغیر دولت کارآمد از این حیث است که در یک محیط باثبات سیاسی، اگر نهادهای سیاست‌گذاری ضعیف باشند و یا با سوء مدیریت اقتصادی مواجه باشند، دولت می‌تواند ناکارآمد باشد. ۳- فرضیه کوزنس مالی نیز برای اقتصاد ایران مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، برای برآورد اثرات تعاملی متغیرهای توضیحی و اثر متغیر کنترلی بر روی توزیع درآمد، از مدل خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی استفاده شده است. در مدل مذکور، متغیر وابسته تحت تأثیر وقفه‌های خود و سایر متغیرهای مستقل قرار دارد. برای استفاده از این مدل، لازم است که متغیر وابسته در سطح ایستا نباشد، روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌صورت هم‌زمان بررسی شوند، وجود روابط بلندمدت به تأیید شود و فروض کلاسیک نقض نشود (مهرگان و همکاران ۱۴۰۱: ۲۹۲).

روش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی که نخستین بار توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه شد، بر مبنای رهیافت پویا و مدل تصحیح خطای نامقید بنا شده است. در این مدل، متغیر وابسته تابعی از متغیرهای مستقل وقفه‌های آن و مقادیر با وقفه خود متغیر وابسته است. شکل کلی مدل $ARDL(p,q)$ عبارت است از:

$$y_t = a_0 + \sum_{i=1}^p a_i y_{t-i} + \sum_{j=0}^q B_j x_{t-j} + v_t$$
 مدل خود رگرسیون با وقفه توزیعی نسبت به سایر روش‌های هم‌انباشتگی از چندین مزیت برخوردار است: ۱- در مواقعی که نمونه‌ها کوچک و برخی از متغیرها درون‌زا باشند، یک تخمین‌زن کاراست؛ ۲- در این مدل امکان تخمین هم‌زمان مؤلفه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت میسر است و درنهایت اجازه می‌دهد متغیرها وقفه‌های بهینه مختلفی داشته باشند (مهرگان و همکاران ۱۴۰۱: ۲۹۳).

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱- الگوی تحقیق

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد در ایران با تأکید بر نقش عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی طی دوره ۱۳۷۹ الی ۱۴۰۱ با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی از مدل‌های زیر استفاده شده است.

$$lGINI_t = B_0 + B_1 FDI + B_2 EFFECTIVE GOVERNMENT + B_3 POLITICAL + B_4 OPENESS + B_5 FDI^2 + U_t \quad (۲)$$

$$lGINI_t = B_0 + B_1 LFDI * EFFECTIVE GOVERNMENT + B_2 LFDI * LFINANCIAL DEVELOPMENT_t + B_3 FDI * POLITICAL + B_4 LFDI * LOIL_t + B_5 FDI * LOPENESS + B_6 UNEMPLOYMENT + U_t \quad (۳)$$

در این مدل (GINI) بیانگر ضریب جینی است که به عنوان متغیر وابسته برازش می‌شود. (FDI) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، (OPENESS) شاخص درجه باز بودن تجاری، (FINANCIAL DEVELOPMENT) توسعه مالی، (EFFECTIVE GOVERNMENT) دولت کارآمد، (POLITICAL) ثبات سیاسی، (OIL REVENUE) درآمد نفتی، (UNEMPLOYMENT) نرخ بیکاری است. تمامی متغیرها به جزء متغیر ثبات سیاسی و دولت کارآمد به صورت لگاریتمی به کار برده شده‌اند. برای ثبات سیاسی و دولت کارآمد به ترتیب از تخمین شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم و تخمین شاخص دولت کارآمد پایگاه داده بانک جهانی استفاده شده است. عدم استفاده از فرم لگاریتمی این دو متغیر نیز به دلیل منفی بودن داده‌ها در برخی از سال‌ها است. بر اساس برآورد شاخص‌های مذکور، امتیاز هر کشور، در واحدهای توزیع نرمال استاندارد، تقریباً از ۲/۵- تا ۲/۵+ است. داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمدهای نفتی از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی استخراج شده است. داده‌های ضریب جینی و نرخ بیکاری از مرکز آمار ایران دریافت شده است. اطلاعات مربوط به سایر متغیرها، از پایگاه داده بانک جهانی استخراج شده است.

۴-۲. آزمون مانایی

به منظور بررسی مانایی متغیرها، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده می‌شود. بر اساس نتایج آزمون (جدول ۱)، تمامی متغیرها به جزء نرخ بیکاری که در سطح مانا است، بقیه متغیرها با یک بار تفاضل گیری مانا شدند.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد دیکي فولر تعمیم یافته

متغیر	مقدار بحرانی (۵٪)	آماره آزمون	نتیجه
LGINI	۰/۰۵	۰/۶۷	نامانا
DLGINI		۰/۰۰	مانا
LFINANCIAL DEVELOPMENT		۰/۹۶	نامانا
D LFINANCIAL DEVELOPMENT		۰/۰۰	مانا
LFDI		۰/۱۷	نامانا
DLFDI		۰/۰۰	مانا
POLITICAL		۰/۴۵	نامانا
DPOLITICA		۰/۰۰	مانا
EFFECTIVE GOVERNMENT		۰/۴۱	نامانا
DEFFECTIVE GOVERNMENT		۰/۰۰	مانا
LOPENESS		۰/۰۷	نامانا
DLOPENESS		۰/۰۰	مانا
LOIL REVENUE		۰/۷۰	نامانا
DLOIL REVENUE		۰/۰۰	مانا
LUNEMPLOYMENT		۰/۰۰	مانا

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴- آزمون هم‌انباشتگی

به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب، لازم است متغیرهای مدل مانا باشند. در صورتی که متغیرهای مدل در سطح مانا نباشند، یکی از راهکارها برای اجتناب از رگرسیون کاذب، پیدا کردن یک ترکیب خطی مانا از متغیرهای نامانا است. این رابطه خطی که بیانگر یک رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها است، هم‌انباشتگی نامیده می‌شود. در پژوهش حاضر، برای بررسی وجود روابط بلندمدت از آزمون باند (Bound test) استفاده شده است. با توجه به این که مقدار آماره F در جدول (۲) بیشتر از مقادیر بحرانی $I(1)$ در سطح معناداری ۵ درصد است، وجود روابط بلندمدت بین متغیرها اثبات می‌شود.

جدول ۲. آزمون باند

مقادیر بحرانی مقادیر بحرانی (۵٪)	$I(1)$	$I(0)$	آماره F
مدل اثرات مستقیم	۳/۲۱	۲/۱۷	۸/۳۴
مدل اثرات تعاملی	۳/۲۸	۲/۲۷	۹/۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴- نتایج برآورد الگوی کوتاه مدت

حداکثر وقفه بهینه مدل متناسب با تعداد مشاهدات و نوع متغیرهای استفاده شده در مدل، ۱ منظور گردید. هم چنین برای برآورد از معیار آکائیک بهره گرفته شده است. مطابق با این شرایط، الگوی پیشنهادی برای معادله های شماره ۲ و ۴ به ترتیب $ARDL(1, 0, 0, 0)$ $ARDL(1, 0, 0, 0)$ برآورد شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین مدل شماره (۲)

متغیر	ضریب (درصد)	t-statistic (درصد)	Prob (درصد)
LGINI(-1)	۰/۴۲	۳/۹۵	۰/۰۰
LFDI	۰/۰۴	۱/۹۴	۰/۰۶
LFDI ²	-۰/۰۰۳	-۱/۹۹	۰/۰۶
LEFFECTIVEGOVERNMENT	-۰/۰۷	-۲/۲۵	۰/۰۳
POLITICAL	۰/۰۰۵	۰/۲۸	۰/۷۷
POLITICAL (-1)	۰/۰۹	۳/۶۵	۰/۰۰
LOPENESS	-۰/۰۰۳	-۱/۹۹	۰/۰۶
C	-۰/۵۲	-۳/۵۷	۰/۰۰

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس نتایج تخمین مدل شماره (۲) در کوتاه مدت، وقفه متغیر ضریب جینی، معنادار و مثبت دارد و مقدار آن ۰/۴۲ است؛ بنابراین ضریب جینی به دوره قبل خود وابسته است. ضریب سرمایه گذاری خارجی در سطح ۵ درصد معنادار نیست. این امر می تواند به علت تمرکز سرمایه گذاری خارجی در بخش های خاص باشد که تأثیر مستقیمی بر توزیع درآمد ندارد یا ناشی از ضعف در انتقال فناوری ها و مهارت، عدم توسعه زنجیره های ارزش داخلی وجود فساد و رانت در ساختار اقتصاد باشد. برای مثال بسیاری از سرمایه گذاری های خارجی به جای ادغام با اقتصاد محلی، صرفاً به استخراج منابع و صادرات آن ها محدود شده اند و از این رو تأثیر چندانی برافزایش درآمد گروه های کم درآمد ندارند. یا در برخی موارد، وجود فساد و رانت گسترده در اقتصاد منجر به این موضوع می شود که سود ناشی از سرمایه گذاری خارجی به گروه های خاصی از جامعه تعلق می گیرد. اثر دولت کارآمد بر ضریب جینی منفی و معنادار است؛ به عبارت دیگر، با افزایش اثربخشی دولت، نابرابری درآمد، تمایل به کاهش دارد که منطبق با مبانی نظری تحقیق و مطالعات صورت گرفته توسط احمدی (۱۴۰۱)، داوودی و سبزی خوش نامی (۱۴۰۰) است. با توجه به آن که علامت متغیر سرمایه گذاری خارجی مثبت و علامت مجذور آن منفی است، فرضیه کوزنتس مالی تأیید می شود که در تضاد با یافته های مطالعه داوودی و سبزی خوش نامی است. اثر ثبات سیاسی بر ضریب جینی در تفاضل مرتبه اول مثبت و معنادار است و این حاکی از آن است که وضعیت ثبات سیاسی در ایران به گونه ای است که نابرابری درآمد افزایش پیدا کرده است. در واقع دولت در جنبه های کلیدی ثبات سیاسی از جمله ثبات در حکمرانی، قدرت های نهادی و تأثیرهای اقتصادی و اجتماعی به خوبی عمل نمی کند که این امر می تواند ناشی از تحریم های اقتصادی بین المللی در ایران و به تبع آن دسترسی محدود به سرمایه، وجود شفافیت

پایین و فساد در قدرت‌های نهادی، روابط ناپایدار با کشورهای همسایه و ... باشد که جملگی با افزایش ریسک و عدم قطعیت‌ها، تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داده است. اثر درجه باز بودن تجاری بر نابرابری درآمد نیز در سطح ۵ درصد معنادار نیست. چراکه علاوه بر پایین بودن درجه باز بودن تجاری، منافع حاصل از تجارت خارجی که غالباً متکی به صادرات نفت و گاز است، به طور نابرابر توزیع می‌گردد و درآمد حاصل از آن‌ها به طور مستقیم در سطح جامعه توزیع نمی‌شود. همه این عوامل منجر به افزایش نابرابری در جامعه می‌گردد.

در جدول شماره (۴) نتایج اثرات تعاملی مؤلفه‌های اثرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گزارش شده است. وقفه متغیر ضریب جینی، معنادار و مثبت دارد که دارای مقدار $0/41$ است. اثر غیرمستقیم ثبات سیاسی بر نابرابری درآمد در وقفه اول مثبت و معنادار است. همان‌طور که در بالا اشاره شد وضعیت ثبات سیاسی در ایران به نحوی است که توزیع درآمد را نابرابرتر می‌سازد. درواقع ثبات سیاسی در ایران شکننده است که این امر می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و رشد اقتصادی را مختل سازد؛ به عبارت دیگر ثبات سیاسی پایین (منفی) با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری خارجی، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی شده و به تبع آن نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. اثر متقابل بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دولت کارآمد بر ضریب جینی منفی و معنادار است. اثر دولت کارآمد نسبت به مدل شماره (۲) که دارای ضریب $-0/07$ است، کاهش یافته است. این امر می‌تواند به دلیل تخصیص ناکارآمد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عدم تعادل بخشی در فرایند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرازیر شدن آن به بخش‌هایی که موجب کاهش رشد فراگیر می‌شود، بوده باشد و یا به دلیل سیاست‌ها و مقررات بیش‌ازحد سخت‌گیرانه دولت به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی بوده باشد. برای مثال، اگر تلاش‌های دولت بر بخش تولید متمرکز باشد، اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع نفت و گاز متمرکز شود، هم‌افزایی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی ممکن است، ضعیف و یا حتی معکوس شود، یا تحریم‌های بین‌المللی، اثربخشی سیاست‌های دولت در استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهینه‌سازی آن برای کاهش نابرابری درآمد را کاهش داده است. رابطه وقفه متغیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار است. از دلایل این امر می‌توان به ابزارهای مالی توسعه نیافته برای سرمایه‌گذاران خارجی، عدم ارتباط بخش مالی با بازارهای مالی بین‌المللی، عدم انطباق رشد بخش مالی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد. برای مثال بخش مالی ایران مشمول طیف وسیعی از ابزارهای مالی که سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال آن هستند (همانند ابزار کافی برای پوشش ریسک یا تبادل ارز) را شامل نمی‌شود و این امر با کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده و به تبع آن نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد، یا توسعه مالی ممکن است در بخش‌هایی رخ داده باشد که ممکن است منطبق با جاهایی نباشد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر احساس می‌شود. اثر درجه باز بودن تجاری همانند درآمدهای نفتی بر نابرابری درآمد معنادار نیست. این امر می‌تواند ناشی از درجه باز بودن تجاری پایین ایران باشد که در بهترین حالت ۶۵ درصد (سال ۲۰۱۸) و در بدترین وضعیت $39/02$ درصد (سال ۲۰۱۵) بوده است. هم‌چنین منافع حاصل از تجارت خارجی که غالباً متکی به صادرات نفت و گاز است، به طور نابرابر توزیع می‌گردد و درآمد حاصل از آن‌ها به طور مستقیم در سطح جامعه توزیع نمی‌شود. همه این عوامل منجر به افزایش نابرابری در جامعه

می‌گردد. معنادار نبودن ضریب درآمدهای نفتی بر سرمایه‌گذاری خارجی و به تبع آن، نابرابری درآمد می‌تواند به این دلیل باشد که درآمدهای نفتی در ایران در بخش دولتی متمرکز شده‌اند و به جای تخصیص آن‌ها به مشوق‌های انگیزشی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی و هم‌چنین سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی کشور و یا سیاست‌های حمایتی برای توزیع عادلانه درآمد، به پروژه‌های خاص، یارانه‌های انرژی یا هزینه‌های دولتی اختصاص می‌یابد که اثر خاصی بر توزیع درآمد ندارند. ضریب نرخ بیکاری هم در سطح ۱۰ درصد معنادار بوده و با افزایش نرخ بیکاری، توزیع درآمد افزایش یافته است؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت که یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و به نوبه خود نابرابری درآمد در ایران، به عملکرد دولت در زمینه ایجاد ثبات سیاسی و افزایش کیفیت ارائه خدمات عمومی و مدنی، اجرای خطی مشی‌ها و اعتبار تعهد دولت به سیاست‌های اعلام شده و هم‌چنین توسعه ابزارهای مالی متناسب با نیازمندی‌های سرمایه‌گذاران خارجی برمی‌گردد.

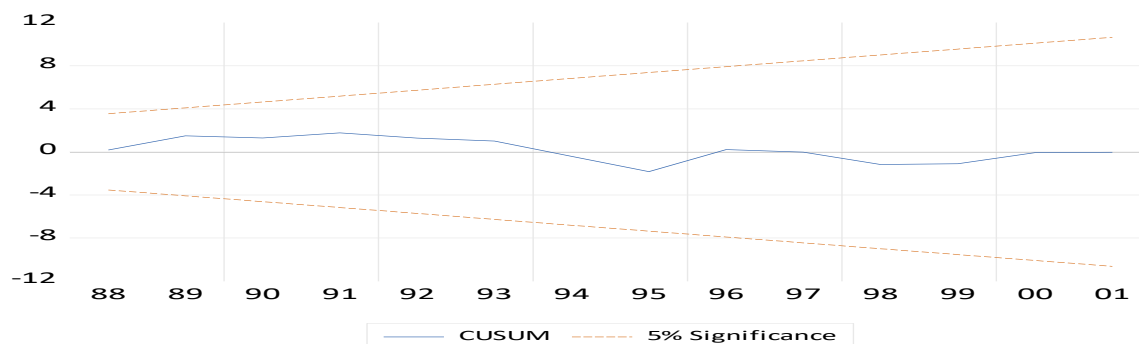
جدول ۴. نتایج تخمین مدل شماره (۴)

متغیر	ضریب (درصد)	t-statistic (درصد)	Prob (درصد)
LGINI(-1)	۰/۴۱	۴/۱۸	۰/۰۰
LFDI*POLITICAL	۰/۰۰	۱/۷۷	۰/۰۹
LFDI(-1)*LPOLITICAL(-1)	۰/۰۱	۴/۸۸	۰/۰۰
LFDI*EFFECTIVE GOVERNMENT	-۰/۰۱	-۳/۲۱	۰/۰۰
LFDI*FINANCIALDEVELOPMENT	-۰/۰۰	-۱/۷۵	۰/۱۰
LFDI(-1)*LFINANCIALDEVELOPMENT(-1)	۰/۰۱	۲/۶۳	۰/۰۱
LFDI*LOIL	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۸۵
LFDI*LOPENESS	-۰/۰۰۴	-۱/۱۷	۰/۲۰
LFDI(-1)*LOPENESS(-1)	۰/۰۰۷	۱/۵۹	۰/۱۲
LUNEMPLOYMENT	۰/۱۱	۲/۰۱	۰/۰۶
c	-۰/۷۴	-۵/۱۹	۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

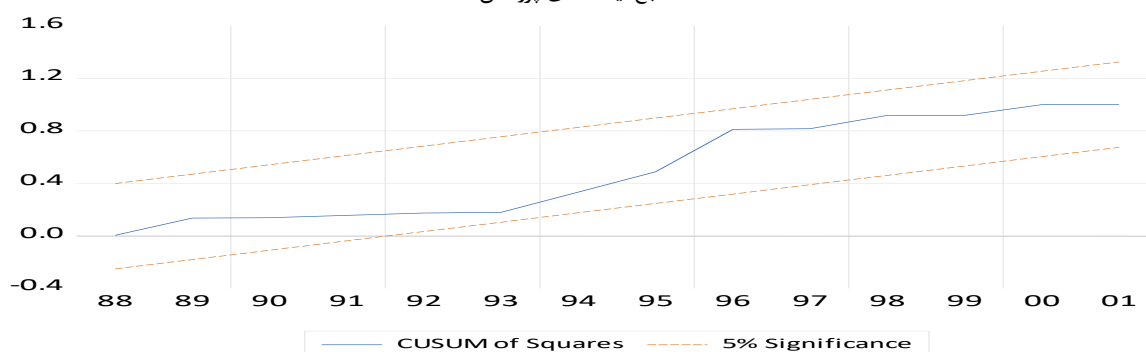
۴-۵- آزمون ثبات ضرایب

به منظور اطمینان از پایدار بودن رگرسیون برآورد شده و صحت نتایج به دست آمده آزمون‌های پایداری CUSUM و CUSUMSQ برای مدل ARDL برآورد شده، صورت گرفته است. با توجه به آن که بر اساس نمودارهای (۴) و (۵)، مقادیر برآورد شده داخل مقادیر بحرانی قرار گرفته‌اند، از این رو می‌توان اذعان نمود شکست ساختاری وجود ندارد و رگرسیون پایدار است.



نمودار شماره ۴. آزمون ثبات ضرایب CUSUM

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار شماره ۵. آزمون ثبات ضرایب CUSUM OF SQUARES

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۶- نتایج برآورد بلندمدت الگو

مطابق با نتایج، اثر دولت کارآمد بر ضریب جینی، منفی است. اثر درآمدهای نفتی و درجه باز بودن تجاری معنادار نیست. این مسئله به توزیع ناکارآمد و ناعادلانه درآمدهای نفتی و تمرکز سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفتی و سرمایه‌بر مربوط می‌شود که در کنار ساختار رانتی اقتصاد، موجب شده است اثر مشخصی بر نابرابری درآمد نداشته باشد. در خصوص معنادار نبودن اثر باز بودن تجاری بر نابرابری درآمد نیز باید اذعان داشت که علاوه بر درجه پایین باز بودن تجاری در ایران که ناشی از وضع موانع تجاری و تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل است، به دلیل ضعف در تولید، باز بودن درجه تجاری عمدتاً منجر به واردات می‌شود که این عامل در کنار توزیع نامتوازن منافع حاصل از تجارت و فقدان سیاست‌های حمایتی برای بهره‌گیری از تجارت و حمایت از نیروی کار، توسعه مهارت‌ها و تقویت تولید داخل، نقشی در توزیع درآمد ایفا نکرده است. افزایش ثبات سیاسی، نرخ بیکاری (در سطح ۱۰ درصد) و ارتقای توسعه مالی (در سطح ۱۰ درصد) در بلندمدت منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به دسترسی نامتوازن به منابع مالی (دسترسی کمتر کسب و کارهای کوچک و اقشار کم‌درآمد به منابع مالی)، ابزارهای مالی توسعه‌نیافته برای

سرمایه‌گذاران خارجی، عدم ارتباط بخش مالی با بازارهای مالی بین‌المللی، عدم انطباق رشد بخش مالی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره نمود.

جدول ۵. نتایج برآورد بلندمدت الگو

متغیر	ضریب (درصد)	t-statistic (درصد)	Prob (درصد)
LFDI*LPOLITICAL	۰/۰۳	۵/۳۹	۰/۰۰
LFDI*LEFFECTIVEGOVERNMENT	-۰/۰۲	-۳/۴۰	۰/۰۰
LFDI*LFINANCIALDEVELOPMENT	۰/۰۱	۱/۸۲	۰/۰۸
LFDI*LOIL	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۸۵
LFDI*LOPENESS	۰/۰۰	۰/۸۶	۰/۴۰
LUNEMPLOYMENT	۰/۱۹	۱/۸۴	۰/۰۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۷- نتایج مدل تصحیح خطا

بر اساس نتایج، ضریب برآوردی $CointEq(-1)$ ، برابر با مقدار $-۰/۵۸$ است که از نظر آماری معنادار بوده و دارای علامت منفی است؛ بنابراین، نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت الگو، همگرا هستند و در هر دوره، ۵۸ درصد از خطای مدل کوتاه‌مدت اصلاح می‌شود و به مدل بلندمدت همگرا خواهد شد. این بدان معناست که هرگونه شوک به نابرابری درآمدی به تدریج کاهش می‌یابد و متغیرها به سمت رابطه تعادلی بلندمدت خود بازمی‌گردند.

جدول ۶. نتایج مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب (درصد)	t-statistic (درصد)	Prob (درصد)
D(LFDI*POLITICAL)	۰/۰۰۳	۲/۷۲	۰/۰۱
D(LFDI*LFINANCIALDEVELOPMENT)	-۰/۰۰۹	-۲/۵۱	۰/۰۲
D(LFDI*LOPENESS)	-۰/۰۰۴	-۲/۸۳	۰/۰۱
CointEq (-۱)	-۰/۵۸	-۱۰/۸۳	۰/۰۰

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

یافته‌های پژوهش حاضر، اثرات عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران را نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت، متغیرهایی همچون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری در مدل اثرات مستقیم، اثرات مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارند، به نحوی که افزایش آن‌ها، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که دولت کارآمد در دو مدل اثرات مستقیم و تعاملی، از طریق تضمین توزیع شفاف و عادلانه منابع و ایجاد مشاغل، به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند. افزایش ثبات سیاسی در دو مدل مذکور، منجر به افزایش ضریب جینی شده است. درواقع، بی‌ثباتی سیاسی، توزیع عادلانه منافع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تضعیف نموده و این

امر وضعیت توزیع درآمد را بدتر می‌کند. ارتقای توسعه مالی و افزایش نرخ بیکاری در مدل اثرات تعاملی، موجب افزایش نابرابری درآمد در ایران می‌شوند.

در بلندمدت، بهبود دولت کارآمد به طور معناداری نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و درعین حال، افزایش ثبات سیاسی، نرخ بیکاری و ارتقای توسعه مالی موجب افزایش نابرابری درآمد می‌شوند. درآمدهای نفتی تأثیرات معناداری بر نابرابری درآمد نداشته‌اند که ممکن است به دلیل توزیع ناکارآمد و ناعادلانه درآمدهای نفتی، تمرکز سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفتی و سرمایه‌بر و ساختار رانتی اقتصاد بوده باشد.

در نهایت فرضیه کوزنتس مالی برای دوره مورد بررسی مورد آزمون قرار گرفت و تأیید شد.

بنابراین با توجه به نتایج تحقیق، موارد ذیل به عنوان توصیه‌های سیاستی پیشنهاد می‌شود:

- در راستای ارتقای کارآمدی دولت که نقش مؤثری در کاهش نابرابری درآمد ایفا می‌کند، سیاست‌های متمرکز بر بهبود حکمرانی، ارتقای شفافیت و ممانعت از انجام فساد و رانت جویی، مدنظر بخش دولتی قرار گیرد.
- برای کاهش اثرات منفی بیکاری بر نابرابری، ایجاد اشتغال پایدار از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و هم‌چنین سیاست‌های حمایتی برای کاهش بیکاری در اولویت قرار گیرد.
- توسعه مالی در کشور به نحوی سازمان‌دهی گردد که منابع مالی به طور برابر و عادلانه در تمامی بخش‌های اقتصادی توزیع شود. این امر می‌تواند با تقویت سامانه‌های بانکی و حمایت از بخش‌های اقتصادی کوچک و متوسط و افزایش دسترسی به اعتبار برای اقشار کم‌درآمد محقق شود.
- با توجه به آن‌که درآمدهای نفتی، به طور مستقیم بر نابرابری تأثیر نداشته است، از این رو، توسعه منابع مالی غیرنفتی و تنوع‌بخشی به اقتصاد می‌تواند به پایداری اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی کمک کند.

منابع

منابع داخلی

- احمدزاده، خالد، علی فقه مجیدی و زهرا ضرونی، (۱۳۹۶)، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۱۸۰، ۲۶-۱۵۱.
- احمدی، احمد رضا. (۱۴۰۱). تحلیل تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی در ایران: کاربردی از شاخص صندوق بین‌المللی پول. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی). ۲۲ (۷ و ۸): ۶۳-۹۱.
- آذربایجانی، کریم، حسن دهشیری ملاسماعیلی و سعید دایی کریم زاد، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در ایران با رویکرد الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)، بررسی‌های بازرگانی، دوره ۱۱، شماره ۶۱، ۸۲-۶۹.
- برقی اسکویی، محمد مهدی و مصطفی شکری، (۱۳۹۷). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با تأکید بر نقش مالیات بر درآمد (رویکرد فازی)، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹ (۳۳)، ۱۲۰-۱۰۹.
- خورشیدی، غلامرضا و حسن رنگریز. (۱۳۸۱)، مالیه عمومی و تنظیم خط‌مشی مالی دولت، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، چاپ اول.

- داودی، پرویز و حسن سبزی خوشنامی، (۱۴۰۰). اثر آستانه‌ای توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران؛ مقایسه بخش بانکی و بازار سهام. پژوهشنامه اقتصادی، ۲۱(۸۳)، ۱۶۳-۱۴۷.
- صابونچی، محمدحسین و علی رشیدزاده، (۱۳۹۳). اثر جهانی‌شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران، مجله اقتصادی، دوره ۱۴، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۱۷-۱۳۴.
- گلدین، یان. (۱۴۰۱). درآمدی بر توسعه اقتصادی، ترجمه: لطفعلی عاقلی، نادر مهرگان. تهران: نشر نور علم.
- مزینی، امیرحسین و مراد حاصل، نیلوفر. (۱۳۸۹). بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. پژوهشنامه اقتصادی، (۷) ویژه‌نامه بازار سرمایه، ۳۵-۱۵.
- موسوی جهرمی، بگانه، خداداد کاشی، فرهاد و موسی پوراحمدی، عالمه. (۱۳۹۳). ارزیابی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در جامعه. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۹(۶۱)، ۱۱۷-۱۴۷.
- مهرگان نادر، میثم موسایی و رضا کیهانی حکمت، (۱۳۸۷). رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۵۷-۷۷.
- مهرگان، نادر، سحر قاسمی و علی سرگل‌زایی، (۱۴۰۱). بررسی اثر مالیات بر ارث بر توزیع درآمد در ایران: رهیافت خود رگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL)، بررسی مسائل اقتصاد ایران، دوره ۲۰۹ (شماره پیاپی: ۱۸)، ۲۹۵-۳۲۷.
- نصیری نژاد، محمدرضا، حسین استادی و امیر هرتمنی، (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو D-8. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴)، ۲۹-۳۸.

منابع خارجی

- Adermon, A. Lindahl, M. & Waldenström, D. (2018). Intergenerational Wealth Mobility and the Role of Inheritance: Evidence from Multiple Generations. *Economic Journal*, 128(612), 482-513.
- Ağır, H. Türkmen, S. & Özbek, S. (2020). Finansal Kuznets eğrisi yaklaşımı çerçevesinde finansallaşma ve gelir eşitsizliği ilişkisi: E7 Ülkeleri üzerine ekonometrik bir tahmin. *BEYDER*, 15(2), 71-84.
- Akan, Y. Köksel, B. & Destek, M. A. (2017). The financial Kuznets curve in European Union. *Economic World*, 2017, 25-27.
- Altiner, A. Bozkurt, E. & Turedi, S. (2022). The Relationship between Income Inequality and Financial Development: Panel Data Analysis. *Business and Economics Research Journal*, 13(3), 349-366.
- Amponsah, M. W. Agbola, F. & Mahmood, A. (2023). The relationship between poverty, income inequality and inclusive growth in Sub-Saharan Africa. *Economic Modelling*, 126, 1-20.
- Andrea Cornia, G. (2014). *Inequality Trends and Their Determinants: Latin America over the Period 1990–2010*, in Giovanni Andrea Cornia (ed.), *Falling Inequality in Latin America: Policy Changes and Lessons*, WIDER Studies in Development Economics. Oxford, online edn, Oxford Academic, 23-48.
- Argun, A. İ. (2016). Gelişmekte Olan Ülkelerde Finansal Gelişme ve Gelir Eşitsizliği. *İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 1, 61-74.
- Baiardia, D. & Morana, C. (2018). Financial development and income distribution inequality in the Euro area. *Economic Modelling*, 70, 40-55.
- Banerjee, A. & Newman, A. F. (1993). Occupational choice and the process of development. *Journal of Political Economy*, 101, 274-298.
- Bastagli, F. Coady, D. & Gupta, M.S. (2012). *Income inequality and fiscal policy*. International Monetary Fund, working paper SDN/12/08, 1-35.
- Bükey, A. M. & Akgül, O. (2021). The effect of financial deepening on income distribution: The case of BRICS-T. *Sosyoekonomi*, 29(47), 301-318.
- Burnside, Craig and David Dollar (2000b). Aid, Policies, and Growth. *American Economic Review*, 90:4, 847–68
- Chiu, Y. B. & Lee, C. C. (2019). Financial development, income inequality, and country risk. *Journal of International Money and Finance*, 93, 1-18.
- Chu, K. Davoodi, H. & Gupta, S. (2000). *Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries*. International Monetary Fund, working paper (WP/00/62), 1-47

- Destek, M. A. Okumuş, İ. & Manga, M. (2017). Türkiye’de Finansal Gelişim ve Gelir Dağılımı İlişkisi: Finansal Kuznets Eğrisi, *Doğuş Üniversitesi Dergisi*, 18(2), 153-165.
- Destek, M. A. Sinha, A. & Sarkodie, S. A. (2020). The relationship between financial development and income inequality in Turkey. *Journal of Economic Structures*, 9(11), 1-14.
- Doğan, B. (2018). The financial Kuznets curve: A case study of Argentina. *The Empirical Economics Letters*, 17(4), 527-536.
- Elinder, M. E. O. & Waldenström, D. (2018) Inheritance and wealth inequality: Evidence from population registers. *Journal of Public Economics*, 165, 17-30.
- Greenwood, J. & Jovanovic, B. (1990). Financial Development, Growth and the Distribution of Income. *Journal of Political Economy*, 5, 1076-1107.
- Hayrullahoglu, B. & Tuzun, O. (2020). The Effect of Taxes on Income Distribution: An Analysis for Turkey and Other Selected OECD Countries. *Economics Business and Organization Research Conference*, 413-426.
- Huyen, L.H. (2015). Determinant of the Factors Affecting Foreign Direct Investment (FDI) Flow to Thanh Hoa Province in Vietnam, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 172, 26-33.
- Jauch, S. & Watzka, S. (2016). Financial development and income inequality: A panel data approach. *Empirical Economics*, 51, 291-314.
- Kaulihowa, T. & Adjasi, C.K. (2018). FDI and income inequality in Africa. *Oxford Development Studies*, 46(2), 250-265.
- Khatatbeh, I. N. Salamat, W. A. Abu-Alfoul, M. N. & Jaber, J. J. (2022). Is there any financial Kuznets curve in Jordan? A structural time series analysis. *Cogent Economics and Finance*, 10(2061103), 1-17.
- Le, Q.H. Do, Q.A. Pham, H.C. & Nguyen, T.D. (2021). The Impact of Foreign Direct Investment on Income Inequality in Vietnam, *Economies*, 9(27), 1-15.
- Lee, C. C. Lee, C. C. & Cheng, C. Y. (2022). The impact of FDI on income inequality: Evidence from the perspective of financial development. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 137-157.
- Li, Z. Lunku, H.S. & Danga, M. (2024). *Dynamics of income inequality in Sub-Saharan Africa: the role of foreign direct investment and expenditure on education*. *Ind. Econ. Rev.* 59, 411-438.
- Lu, K.L. Biglaiser, G. & Villegas, C. (2025) *Chinese Overseas Foreign Direct Investment and Income Inequality in the Developing World*. *Chin. Polit. Sci. Rev.*
- Nikoloski, Z. (2013). Financial sector development and inequality: Is there any financial Kuznets curve? *Journal of International Development*, 25, 897-911.
- Öndes, H. Kızılgöl, Ö. (2024) Financial Development and Income Inequality in Newly Industrialized Countries: Does Financial Kuznets Curve Exists? *Journal of Knowledge Economy*.
- Pesaran, M. H. Y. Shin, and R. J. Smith (2001), Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships, *Journal of Applied Econometrics*, 16(3), 289-326.
- Rezk, H. Amer, G. Fathi, N. & Sun, S. (2022). The impact of FDI on income inequality in Egypt. *Econ Change Restruct*, 55, 2011–2030.
- Saurav, A. Liu, Y. & Sinha, A. (2020). *Foreign direct investment and employment outcomes in developing countries*. World Bank Group's (FCI) global approach to finance, competitiveness and innovation. 1-24.
- Song, Y. Paramati, S.R. Ummalla, M. Zakari, A. & Kummitha, H.R (2021). The effect of remittances and FDI inflows on income distribution in developing economies. *Economic Analysis and Policy*, 72, 2021, 255-267.
- Soto, G. Jardon, C. & Martinez-Cobas, F.X. (2024). FDI and income inequality in tax-haven countries: The relevance of tax pressure. *Economic Systems, Elsevier* 48(1), 1-12.
- Suanes, M. (2016). Foreign direct investment and income inequality in Latin America: A sectoral analysis. *CEPAL Review*, 2016(118), 45-61.
- Wang, W. Xu, T. Liu, X. & Sun, Y. (2023). FDI inflows and income inequality: A Schumpeterian economic growth, *International Review of Economics & Finance*, 83 (C), 805-820
- Wu, J.Y. & Hsu, C.C. (2012). Foreign direct investment and income inequality: Does the relationship vary with absorptive capacity? *Economic Modelling, Elsevier*, 29(6), 2183-2189.